



# سخنی در «منطق انتخابات» و گزینش «رییس جمهور»

دکتر ناصر تکمیل همایون  
استاد جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر ایران



«امروز یک‌بار دیگر دنیا چشم به درایت و کاردانی و موقع‌شناسی و انضباط شما دوخته است. فرد فرد شما نباید مسوولیتی را در پیشگاه خدای بزرگ و وجدان پاک خود و دینی را که به پرچم و تاریخ پرافتخار خویش دارید، لحظه‌یی از یاد ببرید. حساسیت زمان و عظمت مبارزه و آشفتگی جهان و خرابی اوضاع هشیاری شما را در همه حال ایجاب می‌کند. فرزندان عزیز وطن! با چشمان باز و بیدار، مراقب خانه‌ی کهن سال خود باشید. مبدا تاریخ فردا از نسل امروز به زشتی یاد کند و ما را مستحق نفرین و لعنت بشناسد.»

دکتر محمد مصدق

## □ درآمد

و به زور توپ و تفنگ و توطئه‌ی بیگانگان (کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۳ خورشیدی) در دوره‌ی کنونی بر اریکه‌ی قدرت نشاندہ شده‌اند، بی‌تردید امری مبارک و مترقی و ملت‌خواهانه است. در روزگار جدید مردم به دور از کودتاهای نظامیان و دخالت‌های بیگانگان متجاوز، خود، شخصیت و هویت و قدرت یافته‌اند تا سرنوشت آینده‌ی خود و فرزندان و اخلاف میهن خود را تعیین نمایند. ملت ایران، در پی مبارزات پیگیر، لااقل یکصد سال از «نهضت مشروطیت» بدین سو، با نوع جدید حکومتگری به نام «جمهوری»

مسالهی انتخابات و برگزیدن شخص موردنظر برای انجام هر کار با اهمیت، سنتی پسندیده و پیشرفته در جهان است و از قدیم‌ترین ایام در زمینه‌های گوناگون کارایی و سودمندی خود را نشان داده است اما انتخاب یک تن به‌عنوان رییس اجرایی یک کشور، به‌رغم شخصی که از طرق توارث (تاجگذاری‌های پادشاهان منصوب) یا به زور شمشیر (آقامحمدخان...) در گذشته

آشنایی یافتند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نسبت به رژیم سلطنتی با توجه به وابستگی آن به امپریالیست‌های گوناگون جهان در چارچوب «موازنه‌ی مثبت» بی‌عقیده شدند و از طرفی «انقلاب سفید» شاه، وابستگی رژیم را بر امریکا به حد کمال رساند و قانون ننگین «کاپیتولاسیون» جای آستی نگذاشت. در نتیجه‌ی مبارزات سیاسی مردم برای «استقلال و آزادی» گسترش یافت و اعدام‌ها و زندان‌ها و تبعیدها و سرکوبی‌های گوناگون، شیوه‌ی تعارض مردمی را از چارچوب گذشته بیرون آورد و با قیام مردمی پانزدهم خرداد ماه، نظام سلطنت و سلطه‌ی امپریالیسم به‌طور مستقیم مورد حمله قرار گرفت و مبارزات ملی هم مسیر روشن‌تری پیدا کرد. رهبری مبارزات ایرانیان هم شناخته‌تر شد و از آن زمان همبستگی‌های مردم به لحاظ اجتماعی و قومی و مذهبی هر روز بیش‌تر از روز گذشته (با استثناهایی چند) انسجام یافت و یگانگی رهبری و سندیت تاریخی و ملی و دینی شعارهای برخاسته از جامعه را ملموس‌تر ساخت. به گونه‌یی که مردم «استقلال و آزادی و عدالت» را در برقراری نظام «جمهوری» دانستند و آن‌سان دقیق و حاد و خردگرایانه کوشیدند تا سرانجام «نظام شاهنشاهی» آن روزگار با همه‌ی وابستگی‌هایش به کانون‌های سلطه‌ی بیگانگان، فرو ریخت و در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به پیروزی کامل دست یافت و در ۱۰ و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ خورشیدی پس از برگزاری فرآیند، نظام جمهوری اسلامی ایران با ۹۸/۲ استواری یافت.

## ۱- جمهوریت و نظام جمهوریت

مبارزان معنای «جمهور» را همه‌ی

مردم می‌دانستند (منتهی‌الارب) و جمهوری یا جمهوریت (مصدر جعلی) را حکومت همه‌ی مردم می‌شناختند، یعنی اصطلاحی که ترکان عثمانی در قرن هیجدهم آن را به کار می‌بردند.

این نظام در تاریخ کهن مغرب‌زمین دارای سوابقی‌ست. در یونان باستان طبقات خاصی حق شرکت در انتخابات نظام جمهوری داشتند. گاه فقط اعیان و اشراف حق حکمرانی داشتند (حکومت آریستوکراسی) و گاه مردم متوسط (بازرگانان و صاحبان مشاغل عمده) نیز در انتخابات شرکت می‌کردند (حکومت دموکراسی) و در هر دو صورت مردم عادی و بردگان و زنان از حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن محروم بودند.<sup>۱</sup> در دوران جمهوری رُم نیز اعیان و اشراف و جنگاوران نامی، قدرت‌مدار حاکمیت می‌شدند و این شیوه‌ی حکومت (جمهوری قدیمی) و (= سلطنتی) تا

زمان انقلاب کبیر فرانسه استمرار داشت. از آن پس «قابطه‌ی مردم» نقش اساسی برعهده گرفتند چنان‌که در فرهنگ فارسی آمده است: جمهوری حکومتی‌ست که «زمام آن به‌دست نمایندگان ملت باشد و رئیس آن رئیس‌جمهور خوانده شود.»<sup>۲</sup> این تعریف همسان و هماهنگ با تعریف‌هایی است که در فرهنگ‌های اروپایی هم دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

نظام‌های جمهوری با آن‌که خود را متکی به مردم و شیوه‌های دموکراسی می‌دانند، اما آن‌چه مشاهده شده، در کشورهای سرمایه‌داری قدرت و نفوذ کاپیتالیست‌ها، جریان انتخابات را به نفع خود، نظم داده و مردم به صورت کمیت‌های عددی آنان به شمار آمده‌اند و چه بسا شخصیت‌های برجسته و مردمی و آگاه بر پایه مکانیسم‌های خاص از انتخاب‌شدن محروم شده‌اند (همانند

ایران) و در کشورهای دیگر با سلطه‌ی ایدئولوژی خاص (کمونیسم، سوسیالیسم، نازیسم، فاشیسم، صهیونیسم) حقوق حقه‌ی مردمی و الهی تحت الشعاع عقیده‌هایی قرار می‌گیرند که قوه‌ی اجرایی آن را تفسیر و تعبیر می‌کند و گاه روسای جمهور با طبایع دیکتاتوری خود نظام را به نوعی حکومت غیرسلطنتی ظالمانه تبدیل کرده‌اند و فقط نامی از جمهوری با صفات دموکراتیک یا «مردمی» بر آن نهاده شده است و عجیب‌تر آن‌که ریاست‌جمهوری را گاه همیشگی کرده و گاه «موروثی» ساخته‌اند. یعنی دقیقاً برخلاف تعریف و معنای نظام جمهوری.<sup>۴</sup> این نوع نظام‌ها با هر نام و عنوان (همانند بعضی از کشورهای عربی و امریکای جنوبی) از مردم‌سالاری راستین و حاکمیت ملت تهی هستند.

## ۲- جمهوریت در اندیشه‌ی ایرانی بر پایه قانون اساسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، مردم در این باور قرار گرفتند که حکومت سلطنتی، نظام استبدادی، بی‌عدالتی فردی و اجتماعی، اجحاف و ستمگری پایان یافته و از حال به بعد حاکمان منتخب مردم، مدیران، مدیران و کارشناسان عادل و آزادی‌خواه زمامدار خواهند بود و هرگاه خلاف یا اشتباهی از آنان سرزند، به راحتی برکنار خواهند شد و هیچ مقام و شغلی «موروثی» و همیشگی نخواهد بود. قانون اساسی نیز که منشور ملی و آرمانی مردم و انقلاب است، تدوین شد و اکثریت جامعه به آن رای مثبت داد. اصل‌ها و بندهای زیر همه‌ی ایرانیان را علاقه‌مند به نظام جدید کرد و همگان گمان بردند که در ایران‌زمین نوزایش سیاسی و فرهنگی پدید آمده است.



● **رفع تبعیض:** «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی». (اصل سوم - بند نهم)

● **تساوی حقوق:** «تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» (اصل سوم بند دوازدهم)

● **اراده‌ی مردم:** «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها» (اصل ششم)

● **پیوند استقلال و آزادی:** «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یک‌دیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه‌ی دولت و آحاد ملت است هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ی وارد کند، هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید.» (اصل نهم)

● **داشتن عقیده آزادی:** «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» (اصل بیست و سوم)

در اصل بیست و ششم از «آزادی احزاب و سازمان‌های سیاسی و صنفی» و در اصل بیست و هفتم «از تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها» سخن به میان آمده و در اصل یکصد و پانزدهم در صفات رئیس‌جمهور بیان گردیده است:

«ایرانی‌الاصل - تابع ایران - مدیر و

مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی و مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور»<sup>۶</sup>

در این جا باید مسأله‌ی را که امام خمینی بدان اشاره کرده‌اند، یادآور شد:

● **صراحت قانون** «صراحت و روشنی مفاهیم قانون به نحوی که امکان تفسیر و تاویل غلط در مسیر هوس‌های دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد.

● **با هم بودن** «من نوید استقلال و عظمت، رفاه، معنویت و نوید روح پاک و روح آزادمنشی به شما می‌دهم به شرط آن که همه با هم باشید.»<sup>۷</sup>

### ۳- آنچه در ایران گذشت

در چگونگی نه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و کیفیت امور و فراز و نشیب‌های سیاسی آن که گاه بسیار دردناک و نومیدانه است، در این نوشتار، سخنی به میان نمی‌آید و بی‌تردید داوری‌های گوناگون و گاه متضاد وجود دارد که از واقعیت و حقیقت‌گویی و رعایت انصاف به دور است.

خردادماه امسال، زمانی است که مردم ایران دوباره درباره‌ی «ریاست‌جمهوری»، فکر و عمل می‌کنند، گروهی برگزیده‌ی اصلاح‌طلبان را «اصلاح» می‌دانند و گروه دیگر که بر مرکب قدرت سوارند، برگزیده‌ی اصولگرایان را که البته هنوز به توافق کامل نرسیده‌اند.

اما گروه سوم هیچ‌یک از چهار نامزد

منصوب شورای نگهبان را منتخب واقعی مردم نمی‌دانند و بیان می‌دارند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند.

بدیهی به نظر می‌رسد که فرهنگ شرکت در انتخابات در کشورهای استعمارزده و زیرسلطه همانند ایران یک ساله و دو ساله شکل نمی‌گیرد. مسأله‌ی «عدم شرکت و بی‌رغبتی عمومی» از یک سو «تقلب و فریب‌کاری» قدرت‌های اجرایی از سوی دیگر، فرهنگ مردم‌سالاری

و «اهتمام به امور مردم» را تخریب کرده و به تعقیب انداخته است و مردم با احساس را از مسیر انتخابات خارج ساخته است. اما در سال‌های اخیر که عامل یاد شده و عامل‌های دیگر هم، ناکارآمدی خود را در «تحریم انتخابات» یا «خودداری شخصی» و «بی‌قیدی»‌ها نشان داده‌اند و در جمع نه تنها تغییری در شیوه‌ی «حکومتگری» پدید نیآورده بلکه بدهنجاری و خودکامگی و ارتجاع و حیف و میل اموال ملی را شدیدتر کرده و به همان سان که در دوره‌ی پیش از انقلاب، استبداد و وابستگی به بیگانگان، بی‌حرمتی ملی و شدت ویرانگری نظام را افزون‌تر ساخته بود.

خود دور ساختن از «انتخابات» (به هر دلیل) جناح «مطلق‌گرا» و حاکمان خودکامه را جسورتر و مسلط‌تر خواهد کرد و از این رو برخی از سیاست‌شناسان را عقیده بر این است که سازمان‌های تبلیغاتی حاکم به شیوه‌های گوناگون (گاه مثبت و گاه منفی) به گونه‌ی رفتار

می‌کنند که سرانجام مردم در انتخابات شرکت نکنند و اعتقاد بد ورزند!

«چه شرکت نکنیم و چه شرکت نکنیم»، «آن‌ها» کاندیدای خود را از صندوق بیرون می‌آورند، پس بهتر است خودمان را فریب ندهیم، حتی در این باره از چاپ «هفت میلیون شناسنامه» سخن به میان آورده‌اند که بین «بسیجی»ها پخش شده تا به نفع یکی از کاندیداها از آن‌ها استفاده شود. روزنامه‌ها از «پروژه چند هزار میلیارد تومانی خرید آرا» یا از «توزیع پول توسط کمیته‌ی امداد به دانشجویان» و مسائلی چون پرداخت «یارانه» و «طرح عدالت» و جز این‌ها سخن به میان آورده‌اند که بر روی هم «اخبار» است و الخبر یحتمل الصدق و الکذب. نگارنده هیچ سند معتبری در این موارد ندیده است (العهدۃ علی الراوی) و باورکردن درست این مسائل که لایذ پذیرش مردمی را نیز در بردارد (کما این که در انتخابات سلطنتی نشان‌های بارزی از آن دیده شده است) نوعی توهین به ساحت مقدس ملت و هوشمندی آن است. باید این گونه گفته‌ها را در عرصه «تبیین» برد و فریب کسانی را نخورد که می‌خواهند با این گونه سخنان از عدد شرکت‌کنندگان طرفدار اصلاحات و تغییرات بکاهند گویی بین «مطلق‌گرایان مرتجع» و «تحریم‌کنندگان احساسی» نوعی اتحاد نامریی وجود دارد و به قول ریاضی‌دانان آن دو گروه دارای «مخرج مشترک» واحدی هستند. اما عده‌ی دیگری

می‌گویند:

«چرا شرکت کنیم و نظام را تقویت نماییم. نباید رأی داد تا نظام خودش فروریزد.» این عقیده که ریشه‌های خام کمونیستی قرن پیش در آن دیده می‌شود، همواره تبلیغ شده است و رسانه‌های برون‌مرزی هم آب در آسیاب «مرتجعان نامریی درون‌مرزی» ریخته‌اند، اما سودمندی آن در حد «صفر» بوده است و سرانجام مردم اسیرتر و محکوم‌تر گردیده‌اند و ضعف و بی‌قدرتی «تحریم‌کنندگان» انتخاباتی هم آشکارتر شده است و هیچ‌گونه نشانی هم از «براندازی» یا «برافتادن نظام» دیده نشده است و اکثر مبلغان این شیوه اعم از داخلی یا گروه‌های ایرانی خارجی و نیز رادیو و تلویزیون‌های جورواجور در اروپا و آمریکا اندک‌اندک به این واقعیت رسیده‌اند که تغییرات بنیادی در ایران امری داخلی و اصلاحی «گام‌به‌گام» و مستمر است...  
ناگفته نماند شیوه‌ی انتخابات ایران و مقدمات و فرایندهای آن در «حد و رسم» امروزی مورد قبول نیست. مردم نامزدهای خود را نمی‌توانند معرفی کنند. شورای نگهبان «قیم» معرفی آنان شده است و همان چهار شخصی را معرفی کرده که یکی دو ماه است با اجازه‌ی حکومت به تبلیغ مشغولند. مردم معتقدند که اخلاق و خدشه نیز در همین «انتخابات فرمایشی» پدید می‌آید و آن را به تقلب تعبیر می‌کنند و این شیوه‌ها نیز برهان مخالفان را قاطع‌تر ساخته است.

#### ۴- چه باید کرد؟

با این همه داوری‌های گوناگون بخش مختلف مردم و نابهنجاری‌های حکومتی در امر انتخابات و عدم اعتماد و اطمینان مردمی و معضلات دیگر، آیا باید قهر کرد یا پایداری نشان داد. تاریخ آموزشگر گذشته‌ها و راهنمای آینده‌هاست. در دهه‌های گذشته نشان‌هایی بیش و کم همانند دیده شده است. پس از جنگ جهانی دوم مردم تهران روان‌شاد دکتر محمد مصدق را به‌عنوان نماینده‌ی مجلس شورای ملی انتخاب کردند.

آن مرد بزرگ با آن که می‌دانست که یک بار رضاشاه در مجلس موسسان اول و یک‌بار محمدرضاشاه در مجلس موسسان دوم مواردی از قانون اساسی را به سود استبداد سلطنتی تغییر داده‌اند و به «منشور مشروطیت ایران» خدشه وارد کرده‌اند، اما نمایندگی مردم را پذیرفت. وی با آن که آگاه بود در بسیاری از ولایات در انتخابات تقلباتی شده است و نهاد سلطنت به سود خود و رضایت سیاست بریتانیا، عده‌ی گوش به فرمان به‌عنوان نماینده مردم به مجلس تحمیل کرده است.

اما وی در جلسات متعدد همان مجلس (چهاردهم و شانزدهم) شرکت کرد و با یاری یاران خود و پشتیبانی ملت، بزرگ‌ترین حماسه‌ی تاریخی و سیاسی ایران، یعنی ملی‌کردن صنعت نفت در سراسر کشور را پدید آورد و به مرحله اجرا درآورد که یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ایرانیان در مسیر تاریخ است.

اکنون هم جامعه‌ی ایران در شرایطی مشابه قرار دارد. وضع جهانی آشفته است. در شرق و غرب ایران آتش فتنه می‌بارد. ایران در نابسامانی اقتصادی و سیاسی قرار دارد و سیاست‌های خارجی در حال دگرگونی است. سیاستگری و ایران‌مداری به مردان بزرگ و کاردیده و متبحر و



متمهر و آشنا و آگاه به تحولات جهانی نیاز دارد. بودن ما به عنوان ایرانی، ایران نیرومند و کارا، با همه‌ی هویت‌های ملی و دینی و فرهنگی و تاریخی، بیش از همیشه باید مورد توجه قرار گیرد و به زبان آن مرد بزرگ «حساسیت زمان و عظمت مبارزه و آشفتنگی جهان و خرابی اوضاع» ما را بر آن می‌دارد که «با چشمان باز و بیدار مراقب خانه‌ی کهنسال خود» باشیم. تعصبات و خودمحوری‌ها را کنار گذاریم. دریابیم که مساله، مساله‌ی شخصی نیست. مساله مساله‌ی ملی و میهنی‌ست.

**من و دل گر فنا شویم چه باک**  
**غرض اندر میان سلامت اوست**  
سوگند به راستی، شرکت نکردن در انتخابات یا شرکت کردن محدود (با همه مضیقه‌ها و سخت‌گیری‌ها) نه قوانین موجود را تغییر می‌دهد و نه خواست‌های مردم را در کارهایی که باید انجام شود و کارهایی که نباید انجام شود معلوم می‌سازد و چه بسا از پاره‌یی کارهای خوب که انجام شده است، نیز جلوگیری به عمل آورد.

کاندیداهای معرفی شده شورای نگهبان ممکن است نامزدهای انتخاباتی همه‌ی رای‌دهندگان نباشند، و هیچ‌کدام کاندیدای ایده‌ال و آرمانی به شمار نیایند. اما باید دریافت که همه‌ی امور در جهان و جامعه نسبی است و باید به دنبال نسبت رفت. **مطلق ذات باری تعالی است.**

هیچ‌یک از کاندیداها معصوم نیستند. مردم ایران هم پای صندوق نمی‌روند تا العیاذ باللّه «مهدی موعود» را انتخاب کنند. کسی را برمی‌گزینند که به طور نسبی «اصلاح» نامزدهاست، نه سفید است و نه سیاه، همانند همه‌ی مردان و زنان جامعه است. گمان نمی‌رود اشخاص آگاه و منصف اعتقاد داشته باشند که حتی «اصلاح» نامزدان مرتکب هیچ اشتباه و

عمل ناروایی نشده است. اما بر روی هم «اصلاح» باید گذشته‌ی سیاسی مثبت داشته باشد. از بسیاری مفاسد که (بسیارتر از بسیاریان) داشته‌اند، به‌دور باشد. مردم به کسی رای می‌دهند که عملش با قولش یکی باشد و در شرایط کنونی جامعه به خواسته‌های زیر اعتقاد داشته باشد و در تحقق آن‌ها صمیمانه تلاش کند که اهم آن‌ها از این‌ها قرارند.

۱- دفاع از خط‌مشی اصیل انقلاب به دور از تحریف‌ها و تفسیرهای به‌رای

۲- پاسداری کامل از استقلال همه جانبه‌ی ملی

۳- اعتقاد راسخ به اصل آزادی و دموکراسی عملی در همه‌ی زمینه‌ها (گفتاری - نوشتاری)

۴- عمل به اصل عدالت و پیشرفت در هماهنگی تام

۵- کوشش در فرهنگ‌گرایی و هویت‌پذیری ایرانی و توسعه آن در سراسر میهن و تلاش برای ایجاد شرایط «آشتی ملی»

۶- از میان بردن انواع تبعیضات دینی، مذهبی، قومی، زبانی، جنسی و جز این‌ها  
۷- تشویق در «خودگرانی‌های منطقه‌یی و قومی» در چارچوب نظام ملی ایران زمین

۸- تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی و رفع بحران‌ها و برخورداری از ثروت ملی و مبارزه با انحصارگری و بهره‌مند کردن جامعه‌ی بزرگ ایران به طور منطقی و قانونی از همه‌ی دستاوردهای خداداد.

۹- دوری از هر نوع فتنه‌انگیزی و آشوب منطقه‌یی و جهانی و نمایاندن واقعی چهره‌ی ایران به گونه‌ی مظهر صلح و محبت و دوستی و هماهنگی با مردم جهان بر پایه‌ی برنامه‌ریزی‌های علمی و فرهنگی.

۱۰- همکاری با همه‌ی کشورهای

قصدها و ناتوانی میهن ما را نداشته و نسبت به آرمان‌های ملی و دینی و انسانی ما بدانندیش و بدکرداری نمی‌کنند.

۱۱- تلاش‌های علمی و فنی و اقتصادی در نوسازی کشور «سازمان‌های نظامی و انتظامی» بر پایه‌ی فرهنگ و آرمان‌های جامعه و برقراری روابط مدنی با تمام کشورهای جهان.

۱۲- کوشش در اصلاح قوانین و مقررات جامعه در هماهنگی با نیازهای کنونی جامعه و حقوق انسانی و مدنی و مترقی کشور و هم‌سازی‌های بین‌المللی.

۱۳- ریشه‌کن کردن انواع مفاسد موجود و جلوگیری از تلاش‌های فسادانگیز فاسدان.

۱۴- کنار گذاشتن بسیاری از کار به دستانی که در مدت ۳۰ نه تنها خدمتی انجام نداده‌اند، بلکه برای اداره‌ی کشور هم زیانمند بوده‌اند.

۱۵- پای‌بندی کامل به قانون و ریزنی همه‌جانبه با مجلس شورا در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و دور بودن از خودمحوری و استبداد و برنامه‌های عوام‌فریبانه

## سخن پایانی

در پی روشنگری مختصر و ناقص ارائه شده، به‌دور از هر نوع تعصب و حبّ و بغض‌های سیاسی که بعضاً طبیعی و انسانی است، این پرسش هنوز باقی‌ست، چه باید کرد؟ چه رهنمودی باید داد.

- شرکت نکردن در انتخابات آیا دردی از دردهای مردم را دوا کرده است؟

- نامزدان ریاست‌جمهوری، برخاستگان مردم هستند یا منصوبان شورای نگهبان به عنوان یک مرجع سیاسی نظام؟

- آیا در ایران با آن گستردگی جمعیت و پیشرفت‌های فکری و سیاسی و درایت‌های اجرایی فقط ۴ تن لیاقت دارند





که نامزد ریاست جمهوری باشند؟

- چهار نامزد ریاست جمهوری مدت‌هاست که به صورت مریی و نامریی ستاد انتخاباتی خود را به کار انداخته‌اند، آیا آنان علم غیب داشتند که صلاحیت‌شان مورد تایید شورای محترم نگهبان قرار خواهد گرفت؟

مسلم است که پرسش‌های بالا هم تردیدها و وسوسه‌هایی را پدید می‌آورد، اما ملت ایران که یکصد سال نظام مشروطه را آزمایش کرده و همواره از تسلط حاکمان و قوه‌ی مجریه بر قوه‌ی قانونگزاری و حقوق ملی شکایت داشته است. نظام جمهوری را پذیرفت به دلیل خصلت «کثرت‌گرا» و تعلق آن به تمامی بخش‌های جامعه (قومی، مذهبی، زبانی و عقیدتی) و صفت مقدس اسلامی را بر آن افزود تا روحیه‌ی فرهنگی و اعتقادی و تمدنی جامعه‌ی ایرانی را آشکار نماید و همواره آرزومند بود تا

گزینش‌ها و انتخابات در فضای

آزاد و بدون ترس و وا همه انجام گیرد و اراده‌ی مردم حاکمیت یابد و «میزان رأی ملت» باشد نامزدان و طرفداران آنان آزادی گفتار و نوشتار و گردهمایی داشته باشند و هیچ یک از آنان، موقعیت ویژه‌یی نداشته باشند و از رسانه‌های دولتی برخوردار نباشند. خاصی پیدا نکنند.

آنان که به طور دقیق و موشکافانه جریان انتخابات کنونی را بررسی می‌کنند بر این باورند که قدرت‌هایی در پشت کاندیدای خاص قرار دارد و جریان انتخابات را به سود او رهبری می‌کند و عملاً به همین چهار منصوب شورای نگهبان هم ستم‌هایی روا می‌شود.

این امر می‌رساند که چهار تن منصوب، با هم تفاوت دارند و در یک راه و روش نیستند. و این امر حکایت از این دارد که مردم به طور نسبی می‌توانند

قدرت‌نمایی کنند و از میان آنان «اصلح» خود را برگزینند و یا نشان دهند قدرتی در جامعه وجود دارد که به گونه‌ی دیگری فکر می‌کند و خواستار اصلاحات دیگری است. از این رو با همه‌ی سختی‌ها و دل‌آزردگی‌ها و نگرانی‌ها، باید همه‌ی کسانی که خود را متعهد می‌دانند و در هر

جای کشور زندگی می‌کنند و نسبت به ایران و آینده آن در این شرایط حساس کنونی (منطقه و جهانی بویژه با اعلام آمادگی آمریکا برای مذاکره با رییس‌جمهور جدید ایران) احساس مسوولیت ملی و آرمانی دارند. دور از نقادگی‌های غیرسازنده و «نق‌زدن»‌ها و

منفی‌کاری‌های نومیدکننده، در صفحه‌ی شطرنج سیاسی کنونی (ولو با از دست‌دادن یکی یا دو خانه) حرکتی را پدید آورند که جامعه چند گامی به پیروزی نهایی نزدیک‌تر شود از طعنه و نمایی هیچ «طاعن و نمّام» خودی و غیرخودی نهراسند و در سخنان دوستان آرمانی و خوش‌اندیش تأمل نمایند و در کنار مردم نجیب ایران، یعنی مردمی که در آرزوی عملکرد وعده‌های مقبولیت یافته اجتماعی و تاریخی گروه اصلاح‌طلبان هستند. به پای صندوق‌های برون‌د نظر خود را دلیرانه اعلام دارند. به زبان دیگر به برنامه‌هایی رأی دهند که در تبلیغات انتخاباتی وعده داده شده و خواهان تغییرات در مسیر آزادی و عدالت و پیشرفت است. این تصمیم‌گیری در این برهه‌ی تاریخی شایسته‌ترین اقدام است که تمرین دموکراسی را به ظهور می‌رساند.

انتخابات کنونی متفاوت با دوره‌های پیشین به نظر می‌رسد. روشنفکران جامعه، دانشجویان، فرهنگیان، عالمان و استادان مذاهب، فضایی بسیاری از حوزه‌های دینی، اقوام ایرانی، پیرمردان ادیان گوناگون، ایران‌دوستان ملت خواه و آرمان‌گرا، عزم جزم کرده‌اند در یک آزمایش دیگر ملی، همه در یک جبهه با گزینش میرحسین موسوی فرزند آذربایجان عزیز، از آینده‌ی آزاد و مستقل ایران زمین دفاع کنند، در مسیر اصلاحات هماهنگ با سید محمد خاتمی و هم‌میهنانی که در دهه‌های اخیر با تحولات فکری و تجربه‌های جدید، پخته‌تر شده‌اند، زمان اندک است و روزگار تصمیم‌گیری بسیار چشمگیر، همت جانانه و عزم مجذانه و توکل مددخواهانه باید داشت. به زبان خواجه شیراز:

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند

بس خجالت که از این حاصل اوقات  
بریم  
آنان که به‌طور دقیق و موشکافانه  
جریان انتخابات کنونی را بررسی می‌کنند،  
بر این باورند که قدرت‌هایی در پشت  
کاندیدای قرار دارد، جریان انتخابات را به  
سود او رهبری می‌کند و عملاً به همین  
چهار منصوب شورای نگهبان هم  
ستم‌هایی روا خواهد شد. این امر  
می‌رساند که چهار تن منصوب، با هم  
تفاوت دارند و در یک راه و روش نیستند.  
و این امر حمایت از این دارد که مردم به  
طور نسبی می‌توانند قدرت‌نمایی کند و از  
میان آنان «اصلاح» خود را برگزینند و یا  
نشان دهند قدرتی در جامعه وجود دارد که  
به‌گونه‌ی دیگری فکر می‌کند و خواستار  
اصلاحات دیگری است و به وضع موجود  
معترض است. از این رو با همه‌ی  
سختی‌ها و دل‌آزردگی‌ها و نگرانی‌ها باید  
همه‌ی کسانی که خود را متعهد می‌دانند و  
در هر جای کشور زندگی می‌کنند و نسبت  
به ایران و آینده آن در این شرایط حساس  
کنونی (منطقه و جهانی به‌ویژه با اعلام  
آمدگی آمریکا برای مذاکره با  
رییس‌جمهور جدید ایران) احساس  
مسئولیت ملی و آرمانی دارند. دور از  
نقادی‌های غیرسازنده و «نق‌زدن»‌ها و  
منفی‌کاری‌های نومیدکننده، در صفحه‌ی  
شطرنج سیاسی کنونی (ولو با از دست  
دادن یکی یا دو خانه!)، حرکتی را پدید  
آورند که جامعه‌ی چند گامی به پیروزی  
نهایی نزدیک‌تر شود. ■

## پی‌نوشت‌ها

۱- در آن روزگاران که افلاطون حکیم بلندپایه‌ی  
یونان (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) می‌زیست از وی کتابی به  
عنوان **جمهور** یا **جمهوریت** باقی مانده است.  
اکثر مردم گمان دارند که این کتاب شیوه‌ی  
حکومت جمهوری را بیان می‌دارد. حال آن‌که  
چنین نیست، موضوع کتاب گرچه پراکنده است اما

بر روی هم از «عدالت» سخن به میان آمده است.  
افلاطون از زبان سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م) تلاش  
کرده تا مفهوم عدل را بشناساند و نحوه‌ی تحقق  
آن را آشکار سازد و «مدینه‌ی فاضله»‌ی خود را به  
صورت قوانین تحقق کمال مطلوب در تنظیم امور  
جامعه بنمایاند.

افلاطون نام کتاب خود را پولی‌تیا Politeia نهاد که  
معنای تاسیس شهر «جامعه» از آن استناد می‌شود  
و نخستین کسی که این کتاب را به لاتین ترجمه  
کرد نامش را رپوبلیکا Respublica گذاشت که به  
مرور زمان با ترجمه‌ی‌های گوناگون به زبان‌های  
اروپایی معنای جمهوری Republica-Republic  
از آن استخراج گردید. برای آگاهی بیشتر ←  
افلاطون، **جمهور**، ترجمه‌ی فواد روحانی، تهران،  
انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، مقدمه.

۲- در ایران نیز در دوره‌ی مجلس پنجم مشروطه  
که رضاخان پهلوی اکثریت نمایندگان را هواخواه  
خود کرده بود (و به عبارتی با قدرت ارتش برگزیده  
بود)، غوغای جمهوری‌خواهی برپا شد. اما با  
مخالفت مرحوم مدرس و یاران او بازاریان تهران و  
پایداری مرحوم مومن‌الملک رییس مجلس و  
همراهی روحانیان پیشرو، «غوغاسالاری» پدید  
آمده، خاموش شد و جامعه‌ی‌ی که رضاخان را  
به‌عنوان «رییس‌جمهور احتمالی» قبول نداشت،  
متأسفانه به کمک شیوه‌های عملی «موازنه‌ی  
مثبت» بر تخت سلطنت دیکتاتوری و به مرور  
استبدادی نشاند شد و نیمه‌ی حقوق ملی و  
اجتماعی مشروطه‌خواهان نیز از جامعه سلب  
گردید.

۳- فرهنگ فارسی، تألیف دکتر محمد معین،  
تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۱۲۴۲.

۴- برای آگاهی بیشتر ←

Paul Robert  
Alphabetique Et Analogique  
Dictionnaire

Dela Langue Francaise, Paris 1976

۵- برای آگاهی بیشتر ← آشوری، داریوش،  
**فرهنگ سیاسی**، تهران، مروارید، ۱۳۵۴، ص  
۷۱-۷۲، پورکریم، محمدمهدی، **فرهنگ سیاسی**  
نمونه، تهران، علمی، ۱۳۵۸، ص ۹۷-۱۰۰

۶- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**،  
تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹  
۷- همان کتاب